گزارش یک
مهسا گربندی

۳ هزار نفر، صفر دبیرستان

عدالت آموزشی به برخی جاها نرسیده‌است!

رئیس شورای روستاهای بروایه تریچی و بروایه حیدر در گفت‌وگو با «جوان»:
۴۲ دانش‌آموز از این روستاها امسال ترک تحصیل کرده‌اند. نه به دلیل بی‌علاقگی، بلکه چون جایی برای ادامه تحصیل‌شان وجود ندارد

در حالی که هر روز صحبت از پیشرفت و عدالت آموزشی می‌شود، واقعیت‌های تلخ در جای جای کشور نشان می‌دهد هنوز برخی از کودکان و نوجوانان به حق ابتدایی خود، یعنی تحصیل در دسترس و باکیفیت، دست نیافته‌اند. چهار روستای نزدیک به هم در حاشیه اهواز، با جمعیتی بیش از ۳ هزار نفر، همچنان بدون مدرسه مقطع متوسطه هستند. دانش‌آموزان این روستاها، برای رسیدن به نزدیک‌ترین مدرسه که در روستای دیگری قرار دارد باید مسیر طولانی را طی کنند و همچنین از یک آزادراه پرخطر نیز بگذرند، جاده‌ای که عمده والدین، به ویژه خانواده‌های دختران، حاضر نیستند اجازه دهند فرزندانشان هر روز از آن رد شوند. این شرایط ترکیبی از محرومیت جغرافیایی، فشار اقتصادی و کم‌توجهی مسئولان است که منجر به ترک تحصیل بیش از ۴۰ دانش‌آموز در سال تحصیلی پیش‌رو شده‌است.

در شرایطی که هزینه‌های سرویس مدرسه در این روستا به ماهی یک میلیون تومان رسیده و بسیاری از خانواده‌ها توان تأمین آن را ندارند، دانش‌آموزان مستعد و باانگیزه ناچار به تسلیم هستند و این محرومیتی است که نه فقط زندگی فردی آنها را، بلکه کل جامعه را تحت‌تأثیر خود قرار می‌دهد. در همین حال، تلاش‌های محلی برای یافتن راه‌حلی موقتی نیز بی‌نتیجه مانده و حتی نهادهای دولتی حاضر نشدند حداقل امکانات را در اختیار این دانش‌آموزان بگذارند.

■ ۴ روستا بدون حتی یک دبیرستان

چهار روستا در حاشیه اهواز با نام‌های بروایه تریچی، بروایه حیدر، بروایه قاطع و بروایه آلبوعزیز، در مجموع میزبان بیش از ۳ هزار نفر جمعیت هستند، اما با وجود این تعداد سکنه، در هیچ‌یک از آنها مدرسه‌ای برای تحصیل دانش‌آموزان در مقطع اول و دوم دبیرستان وجود ندارد.

حیدرزاده، رئیس شورای روستاهای بروایه تریچی و بروایه حیدر، از این وضعیت به شدت انتقاد می‌کند و با لحنی آمیخته به ناامیدی و خشم می‌گوید: «۴۲دانش‌آموز از این روستاها امسال ترک تحصیل کرده‌اند. نه به دلیل بی‌علاقگی، بلکه چون اصلاً جایی برای ادامه تحصیل‌شان وجود ندارد.»

او ادامه می‌دهد: «تنها گزینه‌ای که برای این بچه‌ها باقی می‌ماند، رفتن به مدرسه‌ای در روستای مجاور است، مسیری حدود ۱۵ کیلومتری، که تنها از طریق آزادراه قابل‌دسترسی است. خانواده‌ها، مخصوصاً آنها که فرزند دختر دارند، حاضر نیستند فرزندانشان را هر روز در آن مسیر خطرناک روانه مدرسه کنند.»

این مسافت نه‌تنها مخاطره‌آمیز است، بلکه از نظر مالی نیز برای بسیاری از خانواده‌ها قابل‌مدیریت نیست. هزینه‌های تردد به‌شدت بالا رفته و فقر مالی به تنهایی می‌تواند مانعی برای تحصیل یک نسل باشد. این داستان تلخی است که حالا برای ۴۲ دانش‌آموز اتفاق افتاده و در سال‌های آینده کودکان و نوجوانان دیگری نیز طعم تلخ این محرومیت و ترک تحصیل را زیر سایه بی‌توجهی مسئولان تجربه خواهند کرد.

■ تباهی آینده دانش‌آموزان با فقر و فاصله

برای خانواده‌هایی که در این روستاها زندگی می‌کنند، تأمین هزینه سرویس مدرسه، به‌ویژه برای چند فرزند، امری تقریباً ناممکن است. حیدرزاده با اشاره به شرایط سخت اقتصادی خانواده‌ها می‌گوید: «سال گذشته، وقتی دیدیم مسئولان هیچ توجهی به این مشکل ندارند، مردم خودشان آستین بالا زدند. با زحمت زیاد، توانستیم برای مدتی سرویس رفت‌وآمد تأمین کنیم، اما امسال دیگر توان مالی مردم هم به ته خط رسیده‌است.»

او ادامه می‌دهد: «حالا این خانواده‌های کم‌برخوردار، علاوه بر تمام مشکلات اقتصادی‌شان، با معضل ترک تحصیل فرزندانشان هم روبه‌رو شده‌اند. سؤال من از مسئولان این است؛ وقتی بچه‌ای مدرسه ندارد، سرویس ندارد، امکان رفت‌وآمد ندارد، چطور باید آینده‌اش را بسازد؟!»

این ترک تحصیل، فقط پایان مدرسه نیست، آغاز زنجیره‌ای از آسیب‌هاست که در سال‌های بعد، آثار آن در بیکاری، فقر پایدار، مهاجرت اجباری و حتی اعتیاد و طرد اجتماعی نمایان می‌شود.

■ حتی حداقل‌ها را هم نگذاشتند

بر اساس گفته‌های حیدرزاده، شورای روستا با نهادهای مسئول، از جمله سازمان نوسازی مدارس و نماینده مجلس، مذاکراتی برای احداث مدرسه انجام داده‌است. حتی زمین برای ساخت مدرسه آماده شده، اما پاسخ دریافت‌شده ناامیدکننده بوده‌است: «به ما گفتند تعداد دانش‌آموزان به حد نصاب نرسیده، بنابراین امکان ساخت مدرسه جدید وجود ندارد. ما گفتیم حتی شده یک کانکس آموزشی بدهید، که بچه‌ها حداقل در آن ادامه تحصیل بدهند، اما همین حداقل هم محقق نشد.»

این در حالی است که بسیاری از پروژه‌های بزرگ صنعتی و نفتی از زیرساخت‌های این روستاها بهره‌برداری می‌کنند. لوله‌های نفت از دل همین زمین‌ها عبور می‌کنند، جاده‌های روستاها توسط ماشین‌آلات پروژه‌های ملی اشغال می‌شود، اما سهم بچه‌های روستا، حتی یک کلاس درس ساده هم نیست.

حیدرزاده با حسرت ادامه می‌دهد: «ما دانش‌آموزانی داشتیم که با همین امکانات کم، توانستند وکیل شوند، پرستار شوند، اما امروز بچه‌هایی با همان استعداد، فقط چون مدرسه‌ای در دسترس ندارند، ناچارند ترک تحصیل کنند. این یعنی از دست دادن آینده‌ای که می‌توانست ساخته شود.»

■ روایت تلخ دانش‌آموزان محروم از تحصیل

نجمه، دانش‌آموزی که قرار بود امسال وارد پایه یازدهم شود، حالا به دلیل نبود مدرسه و مشکلات رفت‌وآمد، دیگر سر کلاس درس حاضر نمی‌شود. او به ما می‌گوید: «در روستای ما نه مدرسه مقطع اول دبیرستان داریم و نه دوم. رفت‌وآمد برایمان به یک معضل بزرگ تبدیل شده. خانواده ما از نظر مالی شرایط سختی دارد و اصلاً توان پرداخت هزینه‌های سرویس مدرسه را نداریم. خانواده‌هایی را می‌شناسم که حتی نمی‌توانند کرایه رفت و آمد فرزندشان را تأمین کنند. به همین دلیل، هر سال تعداد دانش‌آموزان کم‌تر و کمتر می‌شود.»

نجمه ادامه می‌دهد: «سال گذشته هزینه سرویس مدرسه حدود ۷۰۰ هزار تومان در ماه بود، اما امسال حتی با پرداخت یک میلیون تومان نیز یافتن سرویس دشوار شده‌است. همین شرایط سخت و نابرابر باعث شده‌است که بسیاری از دانش‌آموزان، با وجود اشتیاق به درس و تحصیل، مجبور شوند قید مدرسه را بزنند.»

از سوی دیگر، مهسا، دانش‌آموز ساکن روستای بروایه تریچی، نیز درباره این وضعیت می‌گوید: «بعد از ۱۰سال تحصیل مستمر، درست زمانی که می‌خواستم وارد پایه یازدهم شوم، به دلیل دوری خانه‌مان از مدرسه، مجبور شدم درس را رها کنم. هر دانش‌آموز حق دارد به مدرسه و کلاس درس دسترسی داشته باشد. اگر ما از این حق محروم هستیم، حداقل باید برای رفت‌وآمدمان تسهیلاتی فراهم شود.»

مهسا با حسرت می‌پرسد: «ما چه گناهی کرده‌ایم که در روستایی زندگی می‌کنیم که حتی دبیرستان ندارد؟»

■ آموزش و پرورش در حل مشکل کوتاهی می‌کند

یکی از معلمان مدرسه در این مناطق که نمی‌خواهد نامش فاش شود، به صورت صریح وضعیت آموزش در این روستاها را نقد می‌کند و می‌گوید: «این مسئله مربوط به یکی دو دانش‌آموز نیست. چند ده دانش‌آموز از روستاهای مختلف به مدرسه‌ای نزدیک‌ترین روستا مراجعه می‌کنند که حتی آن هم برای‌شان دور است. بسیاری از خانواده‌ها به دلیل ناتوانی مالی قادر به پرداخت هزینه سرویس یا کرایه رفت‌وآمد نیستند و وقتی توان تأمین این هزینه‌ها را ندارند، اجازه نمی‌دهند فرزندانشان ادامه تحصیل بدهند.»

او درباره تأثیر این مشکلات بر آینده دانش‌آموزان هشدار می‌دهد: «موضوعی که می‌تواند آینده این بچه‌ها را کاملاً تغییر دهد. هر سال با این چالش تکراری روبه‌رو هستیم و متأسفانه آموزش و پرورش هیچ اقدام مؤثری در این رابطه انجام نمی‌دهد.»

این معلم با اشاره به عملکرد اداره آموزش و پرورش اضافه می‌کند: «بعد از آن، اداره فقط یک بخشنامه صادر می‌کند و مبلغی ناچیز به حساب دانش‌آموزان واریز می‌شود؛ مبلغی که حتی به اندازه هزینه رفت‌وآمد آنها نیست. این باعث می‌شود دانش‌آموزان به جای ادامه تحصیل وارد بازار کار شوند و کمک خرج خانواده باشند. آینده‌ای که می‌توانست روشن باشد، به این شکل تاریک می‌شود.»

او با تأکید بر حق تحصیل برای همه کودکان و نوجوانان می‌گوید: «هر کودک حق دارد شرایط تحصیل برایش تسهیل شود و اگر قرار است برنامه‌هایی مانند شاد مشکلات حضور در مدرسه را حل کند، باید به این بچه‌ها کمک کرد. معلم باید بتواند درس را برایشان بفرستد و به صورت آنلاین آنها را همراهی کند، اما لازمه این کار، فراهم کردن اینترنت با کیفیت و گوشی هوشمند برای دانش‌آموزان است.»

و در پایان با لحنی دلسوزانه اظهار می‌دارد: «بالاخره باید کاری برای این بچه‌ها انجام شود و این وضعیت رها شده، دیگر قابل‌تحمل نیست.»

■ آرزوهایی که به مدرسه نمی‌رسد

در حالی که هر روز از «عدالت آموزشی» و «دسترسی برابر» حرف زده می‌شود، واقعیت در همین گوشه‌ای از خوزستان چیز دیگری است، جایی که آرزوی ساده بعضی از بچه‌ها، فقط داشتن یک کلاس درس است، حتی اگر در یک کانکس فرسوده باشد.

در دل چهار روستا با جمعیتی بیش از ۳ هزار نفر، حتی یک دبیرستان وجود ندارد. جاده‌ای که به مدرسه ختم می‌شود، نه تنها ۱۵ کیلومتر دورتر است، بلکه از دل یک آزادراه خطرناک می‌گذرد. همین فاصله و همین خطر، حالا تبدیل به دیوار بلندی بین بچه‌ها و آینده‌شان شده‌است.

۴۲ دانش‌آموز فقط در همین روستاها، امسال ترک تحصیل کرده‌اند. برخی از آنها مانند نجمه و مهسا، با تمام علاقه به درس، حالا در خانه مانده‌اند، چون مدرسه‌ای نزدیک‌شان نیست و البته پول سرویس هم ندارند. و این تنها مربوط به یک روستا نمی‌شود. بدون شک روستاهای زیادی در نقاط دیگر همین استان و کشور هستند که حداقل‌های تحصیل را هم ندارند، اما صدای‌شان هنوز شنیده نشده. یا شاید هم شنیده شده اما نادیده گرفته شده‌است.

این صداها را نمی‌توان نشنیده گرفت. چون آینده، خیلی وقت‌ها از همین روستاهای فراموش‌شده شروع می‌شود. حال سؤال مهم این است که اگر امروز این بچه‌ها به مدرسه نرسند، فردا ما قرار است با نسلی که نه به خاطر بی‌استعدادی که به خاطر بی‌امکاناتی، از تحصیل بازمانده‌اند، چه کنیم؟

قضایی

به موجب دستورالعمل رئیس قوه‌قضائیه مقرر شد

اختصاص شعب تخصصی برای پرونده‌های کثیرالشاکی و مهم و ملی

رئیس قوه قضائیه دستورالعمل هماهنگی، نظارت و پیگیری پرونده‌های کثیرالشاکی مهم و ملی را صادر کرد.

دستورالعمل مذکور در اجرای مفاد سند تحول و تعالی قوه قضائیه (مصوب سال ۱۴۰۳) و به منظور رسیدگی سریع و دقیق به پرونده‌های واجد جنبه ملی، پرونده‌های داران خواهان‌ها و شکات متعدد و همچنین پرونده‌هایی که به لحاظ موضوع با پیچیدگی یا بازتاب ملی و بین‌المللی مواجه هستند، صادر شده‌است.

وفق دستورالعمل هماهنگی، نظارت و پیگیری پرونده‌های کثیرالشاکی، مهم و ملی، جهت تسریع و تدقیق در رسیدگی و پیشگیری از تشکیل پرونده‌های موضوع این دستورالعمل، «شورای مشورتی پرونده‌های کثیرالشاکی، مهم و ملی» با حضور معاون اول قوه قضائیه (رئیس شورا)، دادستان کل کشور، رئیس مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه و همچنین رئیس مرکز رسانه قوه قضائیه تشکیل می‌شود؛ در این شورا که بناست جلسات آن حداقل هر سه ماه یک‌بار برگزار شود، از مسئولان مربوط به پرونده‌ها نیز برای حضور در جلسه شورا دعوت به عمل می‌آید.

به منظور نظارت بر پرونده‌های موضوع این دستورالعمل در دادسراها و محاکم نیز، در مرکز هر استان، شورای مشورتی پرونده‌های کثیرالشاکی، مهم و ملی تشکیل خواهد شد.

وفق دستورالعمل صادره، رؤسای دادگستری و دادستان‌ها در خصوص پرونده‌های موضوع این دستورالعمل، به حسب مورد باید اقداماتی نظیر «اختصاص شعبی از دادسرا یا دادگاه‌های نخستین و تجدیدنظر جهت رسیدگی تخصصی به پرونده‌های کثیرالشاکی و مهم و ملی با تصدی قضات متخصص و مجرب»، «مدیریت امور ارجاع به شعب رسیدگی‌کننده به این پرونده‌ها»، «نظارت بر روند رسیدگی به پرونده به ویژه اوقات دادرسی» و همچنین «اتخاذ تدابیر قانونی لازم با هدف تسریع و تسهیل اجرای حکم و جبران زیان مالباختگان از قبیل اعطای ارفاق‌های قانونی مانند آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی» را انجام دهند.

طبق مفاد دستورالعمل مذکور، رئیس شعبه رسیدگی‌کننده به پرونده‌های موضوع این دستورالعمل، بلافاصله پس از ارجاع و مطالعه پرونده باید اقداماتی نظیر «بررسی و اظهارنظر در مورد صلاحیت یا عدم صلاحیت شعبه جهت رسیدگی به پرونده»، «بررسی پرونده حسب مورد از حیث کامل بودن محتویات و پیوست‌های دادخواست، اسناد و مدارک لازم در ارتباط با موضوع اتهام یا خواسته»، «دقت در تعیین اوقات نظارت»، «دقت در لزوم تعیین کارشناس مربوط، تعیین دقیق موضوع کارشناسی و مهلت اعلام نظر کارشناس»، «اهتمام بر شناسایی فوری، توقیف و حفظ اموال و عواید ناشی از جرم به منظور تسهیل در جبران زیان مالباختگان»، «تسریع در تعیین تکلیف نسبت به اموال توقیف شده در پرونده با رعایت ضوابط قانونی» و «تعیین میزان رد مال به تفکیک هر یک از مالباختگان و محکومان» را انجام دهد.

وفق دستورالعمل صادره، اقدام‌های قانونی در جهت تعقیب و محاکمه متهمان پرونده‌های کثیرالشاکی، مهم و ملی باید به گونه‌ای باشد که تا حد امکان موجب تعطیلی یا توقف فعالیت واحدهای تولیدی و اقتصادی و بیکاری کارگران نشود.

نظارت بر اجرای این دستورالعمل برعهده معاون اول قوه قضائیه است و باید گزارش‌های مربوط به اجرای آن، هر شش ماه یک نوبت تهیه و به رئیس قوه قضائیه ارائه شود.

دستورالعمل هماهنگی، نظارت و پیگیری پرونده‌های کثیرالشاکی، مهم و ملی، مشتمل بر ۱۱ ماده و ۷ تبصره است و جایگزین دستورالعمل نظارت، پیگیری و مدیریت موضوعات و وقایع مهم (سال ۱۴۰۱) و بخشنامه سال ۱۳۹۹ با موضوع ضرورت تسریع در رسیدگی به پرونده‌های دارای خواهان‌ها یا شکات متعدد می‌شود.

دریچه

معاون سازمان آتش‌نشانی تهران اعلام کرد

۷۸ هزار ساختمان ناایمن در تهران شناسایی شده است

معاون پیشگیری سازمان آتش‌نشانی تهران با بیان اینکه تاکنون ۷۸ هزار و ۹۰۹ ساختمان ناایمن در پایتخت شناسایی و مورد بازدید قرار گرفته‌اند، بیشترین سهم آنها را مربوط به واحدهای تجاری عنوان کرد و گفت: تعداد ساختمان‌های بحرانی طی یک سال و نیم گذشته از ۱۲۹ ساختمان به ۶۰ مورد کاهش یافته و ساختمان‌ها همچنان تحت پیگیری قضایی و ایمنی قرار دارند و انتظار می‌رود تا پایان سال به حداقل برسند.

کامران عبدولی با بیان اینکه از ۷۸ هزار و ۹۰۹ ساختمان ناایمن در تهران، بیشترین تعداد این ساختمان‌ها مربوط به واحدهای تجاری با ۲۸ هزار و ۳۵۴ ساختمان است، گفت: پس از آن، ساختمان‌های مسکونی و اداری قرار دارند. همچنین از بین سایر ساختمان‌ها، ۴هزار و ۸۰۰ واحد صنعتی، تعدادی واحد درمانی، ۴هزار و ۹۴۶ انبار و ۴هزار و ۴۹۶ ساختمان تجمعی با کاربری‌های مختلف هستند. عبدولی افزود: سازمان آتش‌نشانی طی سال‌های گذشته این ساختمان‌ها را به ساختمان‌های بحرانی، پرخطر، متوسط و کم‌خطر تقسیم‌بندی کرده‌است.

وی یادآور شد که تعداد ساختمان‌های بحرانی در ابتدای سال گذشته ۱۲۹ مورد بود و با تلاش مضاعف و همکاری شهرداران نواحی، دادستانی و کمیته‌های ایمنی، این تعداد در یک سال و نیم گذشته به ۶۰ مورد کاهش یافته‌است.

معاون پیشگیری سازمان آتش‌نشانی تهران تأکید کرد: این ۶۰ ساختمان همچنان در دستور کار سازمان قرار دارند و اقدامات قانونی و قضایی برای آنها انجام شده‌است. شهرداران نواحی مسئول پیگیری ساختمان‌های تحت پوشش خود هستند و بسیاری از این ساختمان‌ها در حال عقد قرارداد با شرکت‌های پیمانکاری برای نصب سیستم‌های اعلام و اطفای حریق و ایمن‌سازی برق و سایر اقدامات ایمنی هستند.

■ انتقاد آتش‌نشانی از عدم ایمن‌سازی ۴ بیمارستان بحرانی پایتخت

عبدولی با اشاره به اینکه انتظار می‌رود تا پایان سال، تعداد ساختمان‌های بحرانی به حداقل نزدیک شود، افزود: بخش عمده ساختمان‌های بحرانی تجاری هستند که اغلب در بازار تهران قرار دارند. از مجموع ۶۰ ساختمان بحرانی، ۳۴ مورد ساختمان تجاری، ۱۳ ساختمان مسکونی قدیمی، دو مرکز اقامتی، دو انبار و چهار بیمارستان وجود دارد. بیمارستان‌های یاد شده شامل یافت‌آباد، سینا، امام خمینی(ره) و حضرت رسول اکرم هستند که متأسفانه برخی از آنها همکاری لازم برای ایمن‌سازی را نداشته‌اند.

■ الزام شهرداران نواحی تهران برای خروج سالانه ۱۰ساختمان پرخطر از شرایط بحرانی

معاون پیشگیری سازمان آتش‌نشانی تهران افزود: بر اساس مصوبه شورای شهر، شهرداران نواحی موظف شده‌اند که سالانه حداقل ۱۰ ساختمان پرخطر را از شرایط بحرانی خارج و ارتقا دهند. این الزام در ارزیابی سالانه شهرداران نواحی تأثیر زیادی دارد و عملکرد آنها در ارتقای ایمنی و حتی ادامه فعالیت مدیریتی آنها مؤثر خواهد بود.

■ ساختمان‌های پرخطر و بحرانی پایتخت تحت نظارت آتش‌نشانی و شهرداری تهران

عبدولی یادآور شد: ساختمان‌های پرخطر و بحرانی همچنان تحت نظارت دقیق سازمان آتش‌نشانی و شهرداری تهران هستند و پیگیری برای ارتقای ایمنی آنها تا رسیدن به استانداردهای کامل ادامه خواهد داشت.

معاون پیشگیری سازمان آتش‌نشانی تهران همچنین در پایان به ایسنا، توضیح داد: در سازمان آتش‌نشانی، رؤسای ایستگاه‌ها موظف شده‌اند ناایمنی‌ها و موارد پرخطر در محدوده تحت پوشش خود را شناسایی و پیگیری کنند و در صورت نیاز از طریق مکاتبات رسمی گزارش دهند.

طریق علی(ع)

مهدی مولایی

آقای رئیس جمهور! ممنون

سخنرانی اخیر رئیس‌جمهور، دکتر مسعود پزشکیان، در مجمع عمومی سازمان ملل را می‌توان از مهم‌ترین حضورهای دیپلماتیک ایران در محافل جهانی در دوسال اخیر دانست؛ حضوری که به بازتاب مواضع رسمی کشور بسنده نکرد و به بازخوانی اصول انسانی مبارزه با جنایتکاران در صحنه جهانی پرداخت. در جهانی که سیاستمداران بسیاری دائماً سخن می‌گویند و کلماتشان همان‌قدر زود فراموش می‌شود که بر زبان می‌آید، سخنرانی رئیس‌جمهور ایران مورد استقبال رسانه‌های بین‌المللی قرار گرفت.

او با صدایی قاطع و لحنی استوار، یاد شهدای مقاومت را گرامی داشت؛ مردانی که خونشان مرزهای جغرافیا را شکست و نماد عزت یک ملت شدند. وقتی پزشکیان از کودکان غزه سخن گفت و از آوارگی و ویرانی، کلام او تنها بازتاب موضع یک دولت نبود؛ پژواکی بود از وجدان جمعی ملت‌های آزاده و گروه‌های حق‌طلب جهان که نمی‌خواهد در برابر ستم سکوت کند. در فضایی که بسیاری از رهبران غربی با واژگان سرد و بی‌روح و خنثی صرفاً از «مناقشه» و «بحران» یاد می‌کردند، او بی‌پرده از «جنایت»، «کشتار»، «تجاوز» و «شبیخون دزدانه» گفت و همین صراحت، به سخنانش وزنی اخلاقی و انسانی بخشید. بلند کردن تصاویر شهدای جنگ اخیر در مقابل چشم حاضران، اقدامی مبتکرانه و دقیق بود که توجه بسیاری به خود جلب کرد.

اما شاید مهم‌تر از این، پرهیز آگاهانه و معنادار رئیس‌جمهور از توصیه‌های مضحک و دام‌های دیپلماسی نمایشی بود. زمزمه‌هایی از توصیه به دیدار با چهره‌هایی چون ترامپ در گوشه و کنار رسانه‌ها و از بعضی چهره‌های سیاسی شنیده می‌شد؛ زمزمه‌هایی که بیش از آنکه پیشنهاد واقعی باشند، حربه‌ای برای مشوش کردن افکار عمومی و تضعیف انسجام ملی به نظر می‌رسیدند. پزشکیان اما هوشمندانه این بازی را به رسمیت نشناخت. سکوت معنادار او در برابر چنین پیشنهاداتی، در حقیقت فریادی بود در تأکید بر عزت ملی؛ ایران قرار نیست ملعبه نمایش‌های انتخاباتی یا رسانه‌ای سیاستمداران فرامرزی باشد. او بعد از فرمایشات رهبر معظم انقلاب در خصوص مضر بودن مذاکره با امریکا، در فضای مجازی از نیویورک اقدام به بازنشر سخنان رهبری در صفحه مجازی خود نمود. در همین چارچوب، تبعیت او از رهنمودهای رهبر انقلاب در خصوص مضر بودن مذاکره با امریکا، جلوه‌ای از انسجام درونی حاکمیت را آشکار ساخت؛ انسجامی که در عرصه بین‌الملل نه‌تنها نشان از بلوغ سیاسی دارد، بلکه اعتبار کشور را دوچندان می‌کند. آنچه در این سخنرانی مشهود بود، همسویی گفتار رئیس‌جمهور با اصول ثابت انقلاب و فرمایشات رهبر انقلاب و تجربه تاریخی ملت بود؛ اینکه مذاکره در شرایط تحمیل و فشار، نه راه‌حل، که تله‌ای برای مصادره اراده ملت است.

این حضور و سخنرانی واجد دو جنبه مهم سیاسی بود؛ نخست، شجاعت در انتخاب واژگان و صراحت در نقد بی‌پرده رژیم صهیونیستی در برابر چشم همگان؛ دوم، بی‌محلی و نادیده‌انگاری محض در برابر وسوسه‌های پر زرق‌وبرق اما بی‌ثمر چهره‌های سیاسی و همصدایی با رهبر انقلاب در صحن سازمان ملل. ترکیب این دو خصیصه، تصویری از سیاست خارجی ایران ترسیم کرد که هم متکی بر اخلاق است و هم پایبند به عقلانیت و وحدت در ارکان بالادستی نظام. شاید وجهه کلی سخنرانی اخیر رئیس‌جمهور در سازمان ملل را بتوان بازتابی صریح و صحیح از فرمایش معروف امیرالمؤمنین علیه‌السلام در توصیه به مالک اشتر دید که «کونا للظالم خصما و للمظلوم عونا» که با ظالمان دشمن و یاور مظلومان باشید. سخنرانی رئیس‌جمهور نمود کامل دشمنی با ظالمان و مستکبران و حمایت از مظلومان از یمن و لبنان تا سوریه و غزه بود.

اینک وظیفه رسانه‌ها و اهل قلم است که چنین رویکردی را پاس بدارند و عمق پیام آن را برجسته کنند. سخنرانی پزشکیان نه تنها تلاشی برای دفاع از آرمان فلسطین و احترام به خون شهیدان بود، بلکه تذکری جدی به جهان داد که ایران در عین دفاع از مظلومان، حاضر نیست اصول و خطوط قرمز خود را در برابر لبخندهای فریبنده قدرت‌ها معامله کند.

خبر

هشدار افزایش شدت آلاینده‌ها در اواسط هفته

اداره کل هواشناسی استان تهران ضمن هشدار درباره وزش باد شدید و احتمال گرد و خاک تا یک‌شنبه، از استقرار جوی پایدار و افزایش شدت آلاینده‌ها طی دوشنبه خبر داد.

اداره کل هواشناسی استان تهران با صدور هشدار سطح زرد از وزش باد شدید تا یک‌شنبه (۶ مهر) خبر داد.

این سازمان اعلام کرده که وزش باد شدید به‌ویژه در بعد از ظهر و شب مورد انتظار است و در نیمه جنوبی و غربی استان تهران، به‌ویژه در نوار جنوبی و غربی رخ خواهد داد. وزش باد شدید در بعضی ساعات امروز جمعه تا یک‌شنبه گاهی همراه با گرد و خاک خواهد بود.

در این شرایط با احتمال سقوط برخی اجسام از ارتفاع و خسارت به سازه‌های موقت مانند داربست‌ها و تابلوهای تبلیغاتی، آسیب به تجهیزات موجود در نقاط مرتفع مانند برج‌ها و دکل‌ها، در مناطق مستعد خیزش گرد و خاک، امکان گسترش گرد و خاک از استان‌های همجوار و کاهش کیفیت هوا و کاهش شعاع دید، خطر شکستن درختان کهنسال و نهال‌ها و امکان صدمه به پوشش گلخانه‌ها در دامنه و ارتفاعات شمالی، به‌ویژه ارتفاعات روبه‌رو است.

در همین رابطه احتیاط در عبور و مرور جاده‌ای، اطمینان از استحکام سازه‌های موقت و سست مانند داربست‌ها و تابلوهای تبلیغاتی، عدم استقرار در تأسیسات و مکان‌های مرتفع مانند برج‌ها و دکل‌ها، اجتناب از پرواز گلایدر و هواپیماهای سبک و بالگرد، عدم تردد و توقف کنار درختان و سازه‌های ناتمام، مستحکم‌سازی پوشش گلخانه‌ها، احتیاط کامل در انجام امور عمرانی، محافظت از تأسیسات حساس به گرد و خاک و استفاده از ماسک بهداشتی در مناطق متأثر از گرد و خاک توصیه شده‌است.

همچنین باید در این شرایط در طبیعت‌گردی و کوهنوردی یا تردد و اتراق در حاشیه رودخانه‌ها و مسیل‌ها احتیاط کرد.

گفتنی است بر پایه واکاوی الگوهای همدیدی و بررسی نقشه‌های پیش‌یابی، طی پنج روز آینده آسمان استان تهران صاف تا قسمتی ابری در ساعات بعد از ظهر همراه با افزایش وزش باد خواهد بود.

هواشناسی تهران همچنین پیش‌بینی کرده‌است که از امشب تا یک‌شنبه، علاوه بر وزش باد در نیمه جنوبی و غربی در ارتفاعات، افزایش ابر، گاهی رگبار و رعد و برق پراکنده و وزش باد شدید مورد انتظار است. سپس در روز دوشنبه، با استقرار جوی نسبتاً پایدار و عدم وزش باد قابل ملاحظه در مناطق پرتردد شهری، افزایش نسبی آلاینده‌های جوی دور از انتظار نیست.

آسمان تهران شنبه (۵ مهرماه) صاف تا قسمتی ابری از بعد از شهر افزایش باد با حداقل دمای ۱۹ و حداکثر دمای ۲۹ درجه سانتیگراد و طی یک‌شنبه (۶ مهرماه) صاف گاهی وزش باد با حداقل دمای ۱۹ و حداکثر دمای ۳۰ درجه سانتیگراد پیش‌بینی می‌شود.

هشدار زرد رنگ به معنای این است که پدیده‌ای جوی رخ خواهد داد که ممکن است در سفرها و انجام کارهای روزمره اختلالاتی را ایجاد کند. این هشدار برای آگاهی مردم صادر می‌شود تا بتوانند آمادگی لازم را برای مواجهه با پدیده‌ای جوی داشته باشند که از حالت معمول کمی شدت بیشتری دارد. از سوی دیگر مسئولان نیز در جریان این هشدارها قرار می‌گیرند تا اگر لازم باشد تمهیداتی را بیندیشند.